

آثار فردی خمس از منظر کتاب و سنت

□ سید علی مهدوی *

چکیده

خمس از احکام مالی اسلام می باشد و وجوب آن یکی از ضروریات دین است. در اهمیت خمس همین بس که پرداخت آن با مسأله ایمان به خداوند متعال پیوند خورده، اما با این حال، خمس از جمله احکامی است که با بی مهری مکلفین مواجه شده است. تأثیر عجیب اهتمام به خمس در سرنوشت فرد و اجتماع، اهمیت تبیین و تبلیغ از آثار آن را نمایان می کند. مسلماً یکی از دلایل بی توجهی و دلزدگی نسبت به پرداخت خمس، عدم آگاهی مکلفین از آثار و فوائد آن است.

در این تحقیق با جستجو در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، مستندات مورد نیاز در زمینه آثار فردی خمس جمع آوری و به بحث گذاشته شده است. در ابتدا توضیح مختصری راجع به اصل خمس و احکام مختصری از آن بیان شده، سپس آثار متعدد خمس در زندگی فردی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله: پاک شدن مال و برکت آن، پاکیزه و طیب شدن نسل، محو گناهان، تقویت ایمان و عنایات ویژه اهل بیت و ...

بینش دهی و تبیین آثار خمس قطعاً از مؤثرترین راه‌ها برای تشویق مردم به ادای این فریضه الهی است و تبیین و تبلیغ ابعاد گوناگون اهتمام به واجبات دینی، رسالت علمای دین است. این پژوهش با هدف ترویج فرائض الهی، و بطور خاص فریضه خمس، سعی دارد آثار و فوائد فردی اهتمام به خمس را بیان نماید.

واژگان کلیدی: خمس، آرامش، طیب نسل.

مقدمه

انسان برای رسیدن به کمال و سعادت دنیا و آخرت، به برنامه ای جامع و کامل نیاز دارد که همه نیازهای مادی و معنوی زندگی اش را مورد توجه قرار داده و او را در جمیع شئون زندگی راهنمایی کند. دین اسلام، آخرین و کامل ترین دین الهی است که با رسالت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، برای تمام مسائل زندگی، آداب و احکامی دقیق و حکیمانه وضع نموده است؛ در باب رابطه انسان با خدا، نماز و روزه را واجب نموده، در باب رابطه مردم با یکدیگر امر به معروف و نهی از منکر را فریضه ای مهم شمرده و در باب رابطه فرد با امام معصوم خمس را واجب کرده است.

خمس که یکی از فروع دهگانه دین اسلام می باشد، از تکالیف مهمی است که خداوند متعال تمام مؤمنان را موظف به اهتمام بر آن کرده است. یکی از مسائل مربوط به خمس که کمتر از آن بحث شده، بحث از آثار و فوائد آن است. اگر به آثار و برکات این فریضه الهی توجه کرده و با علم به احکام خمس، به پرداخت آن اهتمام کنیم، برکات آن به زودی در زندگی ما آشکار گشته و عواقب و نتایج سوء ناشی از عدم اهتمام به این فریضه اسلامی از زندگی ما دور خواهد شد.

این تحقیق که به روش کتابخانه ای نگاشته شده است، در صدد تبیین آثار فردی خمس از منظر کتاب و سنت می باشد. در این نوشتار پس از معرفی اجمالی خمس و توضیح برخی احکام آن، به بررسی برخی از آثار فردی خمس می پردازیم. خمس بر اساس آیات و روایات چه آثاری در زندگی فرد دارد؟ کارکرد خمس در زندگی، از منظر آیات و روایات کدام است؟ بر اساس آیات و روایات خمس چه تأثیری در توجه مردم به مبدأ و معاد دارد؟ تأثیر خمس بر احساس آرامش مردم بر اساس آیات و روایات چیست؟

اگرچه بعضی مقالات و کتب اجمالاً به این موضوع پرداخته اند اما تبیینی دقیق و مفصل و کاربردی از آثار خمس که تأثیر بسزایی در ترویج این واجب الهی دارد، ارائه نشده است؛ لذا گاهی حتی بعضی از متدینین جامعه نسبت به خمس و آثار آن اطلاعات کافی و لازم را ندارند. بنابراین هدف اصلی این تحقیق ترویج خمس در جامعه ایمانی، در پرتو تبیین آثار فردی آن است.

خمس

خمس در لغت، اسم جامد از ریشه «خ م س» است. ازهری در تهذیب اللغه می گوید: «و الخُمُسُ جُزءٌ من خمسة». خُمس هر چیز، یک قسمت از پنج قسمت آن چیز می باشد. (ازهری؛ ج ۷؛ ص ۸۹) خُمس در لغت حجازی «خُمُس» نیز قرائت شده و جمع آن اُخماس است. (ابن سیده؛ ج ۵؛ ص ۹۱) اما در اصطلاح فقها خمس عبارت است از: «حَقٌّ مَالِيٌّ يَثْبُتُ لِبَنِي هَاشِمٍ فِي مَالٍ مَخْصُوصٍ بِالْأَصَالَةِ عَوْضًا عَنِ الزَّكَاةِ». (شهید ثانی، ج ۱، ص ۴۵۷) خمس، یک حق مالی عوض از زکات برای بنی هاشم است که بالاصاله برای آنان ثابت است. با قید «بالاصاله» اموالی را که برخی نذر سادات می کنند، از تعریف خارج شد. چون اگرچه عمل به نذر و پرداخت آن مال منذور به سادات واجب است، اما وجوب آن بالعرض و بواسطه نذر است نه بالاصاله. آیت الله خوئی نیز خمس را اینگونه تعریف می کند: «هو من الفرائض وقد جعلها الله تعالى لمحمد (صلى الله عليه وآله) وذريته عوضاً عن الزكاة إكراماً لهم». (خوئی، ج ۲۵، ص ۳).

یکی از نکاتی که در اکثر تعاریف فقها از خمس به آن تصریح شده است این است که خمس عوض و بدل از زکات است. یعنی شارع مقدس صدقه واجب (زکات فطره و کفاره و ...) را بر فقرا سادات حرام کرد و به جای آن خمس را برای آنان قرار داد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَ الْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَ الْكِرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ». مراد از کرامت در این حدیث تحفه و هدیه است. (ابن بابویه، (۱۴۱۳ق) ج ۲؛ ص ۴۱) زیرا مردم در بیشتر موارد اجناسی را که دیگر نیازی به آن نداشته و ندارند را بعنوان صدقه به فقیر می دهند که در حقیقت صدقات حکم ضایعات اموال را دارد؛ و به تعبیر روایات چرک دست است. از این جهت اموال این چنینی سزاوار خاندان باشرافت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیست. امیرالمؤمنین در خطبه ای فرمود: «وَلَمْ يَجْعَلْ لَنَا فِي سَهْمِ الصَّدَقَةِ نَصِيباً أَكْرَمَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص وَ أَكْرَمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْ يُطْعَمَنَا مِنْ أَوْسَاحِ النَّاسِ». (کلینی، ج ۸؛ ص ۶۳) خداوند متعال، برای ما در صدقات سهمی قرار نداد؛ زیرا خداوند پیامبر و خاندانش را گرامی و عزیز داشت از این که از چرک دست مردم ارتزاق کنیم.

از طرفی یکی از انگیزه های پرداخت صدقه برطرف کردن نیاز افراد نیازمند است، و اگر به کسی صدقه مستحب یا واجبی (زکات) می پردازند برای برطرف نمودن احتیاج و نیازمندی اوست؛ و این عنوان

(نیازمندی) هرگز در شأن نبی مکرم اسلام و اهل بیت علیهم السلام نیست؛ زیرا خزائن آسمان ها و زمین در اختیار آنهاست و ایشان به احدی جز خداوند متعال کوچکترین احتیاجی ندارند. بلکه در روایات آمده است که اگر کسی چیزی را به امام علیه السلام به این عنوان که امام نیازمند است بدهد، کافر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْإِمَامَ يَحْتَاجُ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَهُوَ كَافِرٌ إِنَّمَا النَّاسُ يَحْتَاجُونَ أَنْ يُقْبَلَ مِنْهُمْ الْإِمَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا.» (توبه: ۱۰۳) (کلینی؛ ج ۱؛ ص ۵۳۷) "هرکس گمان کند که اهل بیت محتاج به مال مردم هستند، کافر است. (مراد از کفر اینجا معنای مقابل ایمان کامل است نه مقابل اسلام. و این بخاطر آن است که آن شخص به فضل و مقام امام معصوم معرفت ندارد چرا که امام معصوم زکاة و خمس را فقط بجهت امر الهی طلب و درخواست می کند نه بجهت احتیاج و نیازش به آنها.) بلکه این است و جز این نیست که مردم نیازمندند که امام {خمس و سهم و سایر وجوه را} از آنها بپذیرد {تا آنان را پاک و منزه سازد}. چرا که خداوند متعال می فرماید: از دارایی هایشان صدقه بگیر تا تو آنان را پاک و منزه سازی." پرواضح است سادات از این حکم مستثنا هستند؛ زیرا خمس به فقرا سادات تعلق می گیرد و فقیر بودن آنها در پرداخت خمس شرط است. پس فقط ائمه اطهار علیهم السلام هستند که فقیر پنداشتن آنها مساوی با کفر شمرده شده است.

ابوهاشم جعفری روایت کرده است که گفت: به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فقر و پریشانی خود را شکایت کردم، پس با تازیانه خویش خطی بر زمین کشید. ابوهاشم می گوید که: چنان می پندارم که آن را به دستمالی پوشانید و پانصد دینار بیرون آورد و فرمود که: «ای ابا هاشم! این را بگیر و ما را معذور دار (عذر ما را بپذیر)». (کلینی (۱۳۸۸ش)، ج ۲؛ ص ۷۳۳) پس اهل بیت نیازی به اموال ما ندارند؛ بلکه این ما هستیم که محتاجیم مال قلیل خود را وصل به دریای بزرگ ولایت امام معصوم کنیم تا به برکت او این مال در بهترین مسیر مصرف شود.

در آیه خمس (الأنفال ۴۱): «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ.»، به شش گروه که صاحبان خمس هستند و خمس به آنها پرداخت می شود، چنین اشاره شده است: ۱. خداوند متعال (لله) ۲. رسول اکرم (لرسول) ۳. ائمه اطهار (لذی القربى) (برای تفسیر "ذی القربى" به اهل بیت پیامبر، روایات زیادی وجود دارد. از جمله: «عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى - وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى، قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةَ ع. «كلینی، ج ۱؛ ص ۴۱۴) ۴. یتیمان (الیتامی) ۵. مسکینان (المساکین) ۶. کسانی که در سفر به فقر گرفتار شده اند (ابن السبیل).

«سهم خدا» و «سهم رسول» و «سهم ذی القربی» که مجموعاً به «سهم امام» مشهور است، مطابق روایات متعلق به امام جامعه اسلامی (پیامبر یا امام معصوم) می باشد. چنانچه وقتی از امام رضا علیه السلام درباره سهم خدا در آیه مذکور سؤال شد، اینگونه جواب دادند: «فَقِيلَ لَهُ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَلَمَنْ هُوَ فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ. (کلینی؛ ج ۱؛ ص ۵۴۴) در زمان غیبت کبری، مراجع تقلید بعنوان نایبان امام زمان، سهم امام را دریافت کرده و در اموری که مطابق تاریخ و روایات، خود اهلیت خمس را در آن امور صرف می کردند و یا می دانند امام به آن امر راضی است، هزینه می کنند. درباره سه سهم دیگر علمای امامیه معتقدند: مراد از سه طائفه بعدی، یتیمان، مساکین و در راه ماندگان از بنی هاشم اند. (کلینی؛ ج ۸؛ ص ۶۳: «امیرالمؤمنین فرمود: ... وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَيُنَا خَاصَّةً.») از این رو این بخش را «سهم سادات» می نامند. با توجه به تقسیم مصرف خمس به دو بخش عمده «سهم امام» و «سهم سادات»، گاهی از خمس با عبارت «سَهْمَيْنِ» یاد می شود. البته بنظر برخی فقیهان عناوین سه گانه یتامی و مساکین و ابن السبیل که در آیه خمس آمده است، مصادیقی از مصارف خمس هستند و بمعنای این نیست که خمس ملک و متعلق به آنهاست. چرا که رسیدگی به آنها از وظایف حکومت است. یکی از دلایل این مطلب، وجود «لام» ملکیت یا اختصاص برای عناوین سه گانه اول آیه خمس است که برای عناوین سه گانه دوم تکرار نشده است. از روایات هم همین مطلب استفاده می شود.

آثار فردی خمس از منظر کتاب و سنت

۱. طهارت مولد

اولاد انسان، سرمایه اوست. اگر فرزندان انسان از نسل پاک بدنیا آمده باشند، زمینه رشد و تعالی بیشتری دارند و باقیات الصالحات انسان می شوند. حضرت زکریای نبی آنگاه که از خداوند متعال طلب فرزند می کند، پاکی فرزندش را در دعا قید می کند و عرضه می دارد: «رب هب لی من لدنک

ذریه طیبیه» (آل عمران، ۳۸) زیرا «و البلد الطیب ینخرج نباته بإذن ربه و الذی خبث لا ینخرج الا نکدا» (اعراف، ۵۸) ذریه پاک و پاکیزه قابلیت بیشتری برای دریافت فیوضات پروردگار دارد. اما چنانچه اولاد انسان طیب و پاکیزه نباشد، زمینه فساد و افساد در درونش متجلی می‌گردد.

مثل معروف «العبد و مافی یده لمولاه»؛ بنده و هر آنچه در اختیار اوست، از آن مولاست، بیان گر این نکته است که انسان در حقیقت مالکیتی از خود ندارد و هر آنچه دارد از آن خدای سبحان می‌باشد. ولی با این حال، خداوند مهربان از انسان‌ها خواسته تا فقط یک پنجم از مازاد اموالشان را در مسیری که او تعیین فرموده است هزینه کنند و مابقی را خودشان بطور دلخواه مصرف حلال نمایند. بدیهی است اگر اینگونه عمل نکنند و از پرداخت خمس سرپیچی نمایند، نه تنها مرتکب گناه شده‌اند و نافرمانی خدا را به جان خریده‌اند، بلکه مالی را که مصرف می‌نمایند چون حق غیر در آن است، تصرف در آن حرام است. وارد شدن این مال حرام به زندگی، قطعاً در نسل انسان تاثیرگذار بوده و موجب آرایش و ناپاکی فرزندان می‌گردد.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبْنًا فِي كَبِدِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ. قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَوَّلُ النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِفَاطِمَةَ ع أَحْلِي نَصِيبِكَ مِنَ الْفَيْءِ لِأَبَاءِ شِيعَتِنَا لِيَطِيبُوا.» (طوسی؛ ج ۴؛ ص ۱۴۳) هر کس خنکی محبت و دوستی ما را در جگر خود احساس می‌کند، پس خدای را بر نخستین نعمت‌ها ستایش کند. [راوی حدیث] گفت: عرض کردم: فدایت شوم نخستین نعمت‌ها چیست؟ فرمودند: پاکی ولادت. سپس امام (ع) فرمود: امیرالمؤمنین (ع) به حضرت فاطمه علیها السلام گفت: نصیب خودت را از انفال بر پدران شیعیان ما ببخش تا آن‌ها پاک گردند. یعنی اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها حق خود را بر شیعیانش نمی‌بخشید، بدلیل تصرف در حق غیر و انعقاد نطفه از مال حرام، فرزندان آن پدران شیعه، فرزندان غیر پاکیزه و غیر طیب می‌شدند.

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) با تأکید بر حقیقت بالا فرموده‌اند: «إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ يَا رَبِّ خُمْسِي وَ قَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِطَيْبِ وِلَادَتِهِمْ وَ لِيَتَزَكَّوْا وَ لِيَدْتَهُمْ.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۴۷). سخت‌ترین و شدیدترین حالی که در روز قیامت به مردم دست می‌دهد آن است که مستحقان خمس برخیزند و بگویند: پروردگارا! خمس ما؛ (حق ما را از مدیونین

بگیر). و ما خمس را برای شیعیان پاک ساختیم تا موالید آنان پاک و فرزندان شان حلال گردد. در باب طیب مولد روایات فراوان و مختلفی نقل شده است که معمولاً ذیل عنوان «تحلیل خمس» آنها را بررسی می کنند. در دسته ای از روایات، دلالت بر حلال بودن خمس در زمان برخی از ائمه بر شیعیان است، و فلسفه آن طیب ولادت شیعیان بیان شده است. مثلاً امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع حَلَّلَهُمْ مِنَ الْخُمْسِ يَعْنِي الشَّيْعَةَ لِيَطِيبَ مَوْلِدُهُمْ.» (ابن بابویه، (۱۳۸۵ش)؛ ج ۲؛ ص ۳۷۷) همانا امیرالمومنین خمس را بر شیعیان حلال کرد تا نسل آنان پاک باشد. از ظاهر این دسته از روایات بر می آید که مراد از طیب ولادت کما اینکه از دعای حضرت زکریا پیداست، اشاره به طهارت ویژه ای باشد که رشد معنوی اولاد را تسهیل می کند. یعنی لقمه حلال در اولاد تأثیر مثبت و لقمه حرام تأثیر منفی دارد. یعنی همان طور که زمان و مکان مجامعت روی اولاد تأثیر دارد، لقمه حلال نیز که ناشی از پرداخت خمس است، روی اولاد تأثیر دارد. پرداخت خمس مال را پاک می کند و مال پاک مقدمه نسل پاک است.

البته خمس از چند جهت باعث پاکی نسل و ذریه انسان است:

۱. خمس سبب تطهیر و حلیت اموال است و مال حلال قطعا در تربیت و پاکی فرزند مؤثر است.
۲. خمس سبب سکونت و آرامش در خانواده است، و پرواضح است در خانواده ای آرام و دور از اضطراب، فرزندان بهتری تربیت می شوند.
۳. خمس سبب گسترش روح دینداری و تقید به دستورات شرعی است و تأثیر تدین و اخلاق اسلامی والدین در پاکی فرزند بر کسی پوشیده نیست.

۲. تطهیر اموال

می دانیم تغذیه مناسب، در سلامت جسم و جان آدمی سهم به سزایی دارد. غذای سالم و حلال، فکر سالم و عمل سالم پدید می آورد. و از غذای ناسالم و حرام، افکار شیطانی و عمل شیطانی پدیدار می گردد. یکی از حکمت های تشریح خمس، تطهیر اموال است. در همین زمینه از امام صادق (ع) سؤال شده: «عَنْ رَجُلٍ أَكْتَسَبَ مَالًا مِنْ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ ثُمَّ أَرَادَ التَّوْبَةَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَمْ يَتَمَيَّزْ لَهُ الْحَلَالُ بِعَيْنِهِ مِنَ الْحَرَامِ فَقَالَ يُخْرِجُ مِنْهُ الْخُمْسَ وَ قَدْ طَابَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَهَّرَ الْأَمْوَالَ بِالْخُمْسِ.» (مفید؛ ص ۲۸۳)

مردی که از راه حلال و حرام مالی به دست آورد، و می خواهد توبه کند ولی حلال و حرام را به طور مشخص نمی شناسد چه کند [و چگونه خود را از حرمت خلاص نماید]؟ فرمود: خمس آن مال را بدهد، مالش پاک می شود. خداوند اموال را به وسیله پرداخت خمس تطهیر فرموده است.

حضرت امام صادق علیه السلام به نقل از آباء طاهرين خود نقل فرموده است که: «أَتَى رَجُلٌ عَلِيًّا عَ فَقَالَ إِنِّي كَسَبْتُ مَالًا أَغْمَضْتُ فِي طَلْبِهِ حَلَالًا وَ حَرَامًا فَقَدْ أَرَدْتُ التَّوْبَةَ وَ لَا أَدْرِي الْحَلَالَ مِنْهُ وَ لَا الْحَرَامَ فَقَدْ اخْتَلَطَ عَلَيَّ فَقَالَ عَلِيُّ عَ أَخْرِجْ خُمْسَ مَالِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ رَضِيَ مِنَ الْإِنْسَانِ بِالْخُمْسِ وَ سَائِرِ الْمَالِ كُلُّهُ لَكَ حَلَالٌ.» (ابن بابویه، (۱۴۱۳ق)؛ ج ۳؛ ص ۱۸۹) مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و عرض کرد: من مالی بدست آورده ام که درباره حلال و حرام آن چشم پوشیدم و حلال و حرام را با هم در آمیختم. اکنون می خواهم توبه کنم در حالیکه مقدار حلال و حرام آن مال برای من مجهول است و مال حلال با مال حرام مخلوط گردیده است. امیرالمؤمنین فرمود: خمس مال خود را خارج کن زیرا خدای عزوجل از آدمی با ادای خمس راضی می شود و باقی مال بر تو حلال خواهد بود.

۳. آرامش

در عصری که عوامل سلب آرامش فراوان و راه های تأمین آرامش کم است، مردم حاضر هستند هزینه های گزافی پردازند تا شاید موقتاً به آرامشی نسبی برسند. قرآن یکی از راه های قطعی رسیدن به آرامش را پرداخت خمس و وجوهات شرعی می داند. در تعریف خمس گذشت که خمس بدل و عوض از زکات است. بدل حکم مبدل منه را دارد. پس اگر به تصریح قسمتی از آیه معهود «ان صلاتک سکن لهم» (توبه، ۱۰۳)، زکات بواسطه دعای پیامبر بعد از پرداخت آن، موجب آرامش است، خمس هم موجب سکونت و آرامش است. ضمن اینکه مطابق بعضی روایات، آیه مذکور درباره خمس نیز هست؛ آنجا که در بعضی روایات، در مقام استدلال به آثار خمس، به این آیه استناد شده است. البته در روایتی از امام رضا علیه السلام در باب خمس هم آمده که: «فلاتحرموا انفسکم دعاءنا»؛ {خمس مالتان را پردازید} و خود را از دعای ما محروم نکنید. از ضمیر متکلم مع الغیر فهمیده شود که پیامبر اکرم هم داخل در دعاکنندگان است و با تکیه بر تعبیر «ان صلاتک سکن لهم» قطعاً این دعا موجب سکونت و

آرامش است.

تحقیقات میدانی هم ثابت کرده است که افراد متدین و متعهد به مسائل شرعی من جمله پرداخت خمس، کمتر گرفتار ورشکستگی یا بدهکاری و دیگر عوامل سلب آرامش هستند؛ بلکه غالباً گرفتاری های طاقت فرسا و مشکلات متعدد گریبان افرادی را گرفته که که مقید به حلال و حرام الهی نبوده و تعهدی به مسائل شرعی ندارند. خداوند متعال این مطلب را در قرآن اینگونه بیان فرموده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِشَةً ضَنْكًا» (طه، ۱۲۴) در آیاتی دیگر این موضوع را بیشتر شرح می دهد: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى * وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى * وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى * وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى» (لیل، ۵ تا ۱۱)؛ اما کسی که [ثروتش را در راه خدا] انفاق کرد و پرهیزکاری پیشه ساخت و وعده نیکوتر را [که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و پرهیزکاری است] باور کرد؛ پس به زودی او را برای راه آسانی [که انجام همه اعمال نیک به توفیق خداست] آماده می کنیم و اما کسی که [از انفاق ثروت] بخل ورزید و خود را بی نیاز نشان داد و وعده نیکوتر را تکذیب کرد، پس او را برای راه سخت و دشواری [که سلب هرگونه توفیق از اوست] آماده می کنیم، و هنگامی که [به چاه هلاکت و گودال گور] سقوط کند ثروتش [چیزی از عذاب خدا] را از او دفع نمی کند.

امام صادق علیه السلام آیات فوق را اینگونه تفسیر می کند: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى الْخَمْسَ، وَ اتَّقَى وَ لایة الطَّوَاغِیْتِ وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى بِالْوَلَایَةِ فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى فَلَا یُرِیدُ شِیْئًا مِنَ الْخَیْرِ إِلَّا یَسِرُ لَهُ وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ بِالْخَمْسِ وَ اسْتَغْنَى بِرَأْیِهِ عَنِ أَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى بِالْوَلَایَةِ فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى فَلَا یُرِیدُ شِیْئًا مِنَ الشَّرِّ إِلَّا تَسِرُ لَهُ» (بحرانی، ج ۵؛ ص ۶۸۰) اما کسی که خمس را پردازد و از ولایت طاغوتیان پرهیزد و ولایت حضرت امیرالمؤمنین و اولادش را {با پرداخت خمس} تصدیق کند، هیچ امر نیکی را نمی خواهد جز آنکه خداوند آن را پیش پایش میگذارد. و اما کسی که در خمس بخل بورزد و خودرأی باشد و به اولیاء خدا مراجعه نکند و ولایت اهل بیت را {با عدم پرداخت خمس} تکذیب و انکار کند، هیچ امر بدی را نمی خواهد مگر آنکه خدا آن را برای او میسر و آسان میکند. امام صادق علیه السلام همچنین فرمودند: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ». (شیخ حر عاملی (۱۴۱۴ق)؛ ج ۴؛ ص ۵) اگر مردم حقوق یکدیگر را پردازند و نیازمندی فقرا را برطرف سازند، زندگی خوب و رضایت بخشی

خواهند داشت.

به استناد احادیث فوق، کسانی که خمس خود را با خلوص نیت و اعتقاد کامل به ولایت اهل بیت بپردازند، گره های زندگی برای آنها گشوده می شود و خداوند آنها را به راحتی، آرامش و آسایش سیر خواهد داد. در مقابل کسانی که نسبت به پرداخت حقوق الهی بخل بورزند، لحظه به لحظه به آتش و عذاب نزدیکتر شده و آرامش آنها سلب خواهد شد.

۴. وسعت روزی

وسعت روزی و فراوانی ثروت، فقط به وسیله تلاش و دانش و هنر به دست نمی آید؛ بلکه علل و اسباب دیگری نیز وجود دارند که باعث توسعه روزی و تکثیر ثروت می گردند. امام رضا (ع) یکی از علل فراوانی روزی را پرداخت خمس معرفی فرموده اند: «فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مُفْتَاخُ رِزْقِكُمْ.» (کلینی؛ ج ۱؛ ص ۵۴۸) پرداخت خمس کلید روزی شماست و اگرچه ظاهراً با پرداخت خمس از مال انسان کم می شود ولی گشایش و برکتی در رزق حاصل می شود که آن کمبود را جبران می کند. در واقع قفلی از جنس مال بر ارزاق مادی و معنوی انسان زده شده است که با باز کردن آن قفل (پرداخت خمس)، آن شخص به مقدار کثیری از ارزاق مادی و معنوی دست می یابد. شبیه درخت انگوری که هرس کردن و بریدن شاخه های آن در ظاهر کوتاه کردن درخت است اما همین کار سبب رشد آن درخت می شود. پرداخت خمس، نوعی سپاسگزاری از خداوند متعال و شکر بابت فراخ دستی است. در خمس، انسان یک پنجم از اموال اضافه سر سال خمسی خود را می پردازد. یعنی یک سال از این اموال استفاده شده و در موارد مختلف هزینه شده و خمسی به آن تعلق نگرفته است؛ اما وقتی این مال به سر سال خمسی رسید و چیزی از آن باقی مانده بود، یک پنجم از آن مازاد را به امام معصوم یا وکلای او می پردازد. این یک پنجم، به نحوی شکرانه آن است یکسال دارا بوده و زندگی خود را با آبرومندی گذرانده است و حالا مقداری هم اضافه آورده است. از آن طرف، خداوند متعال فرمود: «لئن شكرتم لازیدنکم» (ابراهیم، ۷) اگر بابت نعمت هایی که خدا به شما داده است شکر او را بجای آوردید، خدا شما را زیاد می کند و ظرفیت و قابلیت شما را افزایش می دهد. هرچه ظرف انسان بزرگتر و ظرفیت او بیشتر باشد، فیوضات و ارزاق مادی و معنوی خداوند متعال را بیشتر دریافت می کند؛ زیرا خود خداوند می فرماید: «أَنْزَلَ مِنْ

السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةً بِقُدَرِهَا» (رعد، ۱۷) خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر دره و رودی به اندازه گنجایش و وسعت آن، سیلابی جاری شد.

خداوند متعال بارها در قرآن به این معنا تأکید کرده است که اگر مالی را در راه خدا صرف کردید، خدا جایگزین و عوض آن را بطور کامل و کریمانه به شما خواهد داد: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبا، ۳۹)، «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتِ الْيَكْمَ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۲)، «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۱). امیرالمومنین علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ آتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش)؛ النص؛ ص ۴۴۷) هرکس به عوض گرفتن از خدا (اینکه خَلْفَ جای سَلَفَ را فوراً پر می کند) یقین داشته باشد، در بخشندگی گشاده دستی می کند. خداوند متعال دائم فیض است و پیوسته فیض او بسوی خلق روان است؛ «يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ». (کفعمی، ص ۶۴۷) لذا همان لحظه ای که انسان مالی را در راه خدا می دهد، همان لحظه جای او پر می شود؛ اگرچه تا شخص بفهمد و متوجه آن جایگزینی شود، ممکن است طول بکشد ولی هم اکنون جای آن پر شده است. در مقابل خداوند متعال، شیطان هنگام بذل مال در راه خدا وعده فقر داده است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ» (بقره، ۲۶۸) بدبختی آنجاست که گاهی فرد به یک وسوسه شیطان توجه کرده و بها می دهد، اما به ده ها مورد از بشارت ها و وعده های الهی توجه نمی کند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَخْرِجُوا حَقَّ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ يُبَارِكِ اللَّهُ لَكُمْ فِي بَاقِيهِ وَ يَزُكُّو». (نوری، ج ۷؛ ص ۲۷۹) پس از خداوند پروا کنید و از آنچه در دست دارید حق خدا را بپردازید، تا خداوند در باقی مال شما برکت داده و آن را رشد دهد. نکته مهم آن است که اگر انسان حق اهلیت را به آنها نرساند، گمان نکند که مالش را حفظ کرده و مالش کم نخواهد شد؛ امام صادق علیه السلام هشدار می دهند: «مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ». (کلینی، ج ۳؛ ص ۵۰۶) کسی که حق خدا را (مثلاً خمس) نپردازد، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد.

۵. ضمانت بهشت

یکی از آرزوهای انسان در زندگی، آن است که بتواند به رفاه و آسایشی کامل برسد تا در سایه آن، به

آرامش دست یابد. او دنبال آسایشی ابدی و آرامشی جاودانه است. اما این خواسته هرگز در دنیا محقق نمی شود؛ زیرا نه ساختار دنیا بر بقا نهاده شده و نه عمر آدمی جاودانه است. آسایش های دنیوی همیشه با رنجش ها و سختی ها همراه بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفی دنیا فرمود: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ» (شریف الرضی؛ ص ۳۴۸) دنیا خانه ای است که در لابلای بلاها و مشکلات پیچیده شده است. خداوند متعال راحتی و آسایش کامل را فقط در بهشت قرار داده است. در حدیث قدسی خداوند متعال به حضرت موسی فرمود: «وَوَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا.» (نوری، ج ۱۲؛ ص ۱۷۳) پرواضح است که مراد از راحتی در بهشت، راحتی و آسایش مطلق بدون هیچ دغدغه و نگرانی و مشکلی است؛ وگرنه آسایش و آرامش نسبی در دنیا هم یافت می شود. حالا مسئله این است که چه کنیم تا به سرایی وارد شویم که در آن هیچ رنجی به انسان نمی رسد و هیچ گاه از آن خارج نمی شویم؟! «لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ». (حجر، ۴۸)

در قرآن و روایات، اموری بعنوان مسیر قطعی و حتمی ورود به بهشت معرفی شده است. بعبارت دیگر، خداوند متعال و اهل بیت، ورود به بهشت را به شرط انجام بعضی از اعمال خاص، برای گروهی تضمین کرده اند. یکی از اعمالی که موجب تضمین بهشت است، پرداخت خمس می باشد. شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و خمس مال خود را پرداخت. امام علیه السلام به او فرمودند: "بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای شما ضمانت کنیم." «ضَمِنْتُ لَكَ عَلَيَّ وَعَلَى أَبِي الْجَنَّةَ». (مفید، ص ۲۸۲) در روایت دیگر از ابابصیر نقل شده است که وقتی علباء اسدی، والی بحرین، خمس اموالش را به امام صادق علیه السلام تقدیم کرد، حضرت فرمودند: «قَدْ قَبَلْنَا مِنْكَ وَوَهَبْنَا لَكَ وَأَحْلَلْنَاكَ مِنْهُ وَصَمِمْنَا لَكَ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ.» (مجلسی، ج ۹۳؛ ص ۱۹۵) به تحقیق این را از تو قبول کردیم و به تو بخشیدیم، و تو را از تصرف در آن حلال کردیم و ضامن شدیم برای تو بهشت را بر خدا.

از آیات قرآن نیز می توان تضمین بهشت را برای پرداخت کننده خمس، استفاده کرد. خداوند متعال در سوره رعد می فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ... أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا» (رعد، ۲۱ تا ۲۳) حفظ و برقراری پیوندهایی که خدا دستور به برقراری آن داده، باعث تضمین بهشت می گردد. امام صادق علیه السلام فرمود: مراد خدا از آن پیوندی که باید آن را برقرار کرد، رَجْم و خویشی آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ

اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ قَالَ: نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.» (کلینی، ج ۲؛ ص ۱۵۶) قطعاً یکی از مصادیق برقرار کردن پیوند با اهل بیت، پرداخت خمس است که حق مسلم آنهاست و خدا به آن دستور داده است. زیرا مصداق ذی القربى در آیه خمس اهل بیت هستند و خداوند متعال فرمود: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (اسراء، ۲۶) امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الذَّرَاهِمِ إِلَى الْإِمَامِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَجْعَلُ لَهُ الذَّرَاهِمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۳۷) هیچ کاری نزد خدا از دادن پول به امام (چه بعنوان خمس و چه بعنوان هدیه) محبوبتر نیست. به راستی خدا یک درهم از آن پول را برای دهنده در بهشت {از حیث فضیلت و ثواب} چون کوه احد قرار می دهد. در مقابل، اگر اهتمام به خمس و پرداخت خالصانه و بموقع آن موجب تضمین بهشت و سعادت ابدی است، خوردن حق اهل بیت و عدم پرداخت خمس به تنهایی می تواند عامل جهنمی شدن انسان باشد. ابابصیر از امام باقر علیه السلام سوال کرد: «مَا أَيْسَرُ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ» آسان ترین و کمترین چیزی که بواسطه آن بنده داخل جهنم می شود، چیست؟ حضرت فرمود: «مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَ نَحْنُ الْيَتِيمُ.» (ابن بابویه، (۱۴۱۳ق) ج ۲؛ ص ۴۱) هرکس یک درهم (سکه نقره) از مال یتیم را به ناحق بخورد. و ما آن یتیم هستیم.

۶. تطهیر از گناهان و رذائل اخلاقی

امام رضا علیه السلام فرمودند: «إِنَّ إِخْرَاجَهُ ... تَمْحِصُ ذُنُوبَكُمْ» (کلینی؛ ج ۱؛ ص ۵۴۸)؛ اخراج خمس [پرداخت آن] باعث تطهیر گناهان شما می باشد. «تمحیص» بمعنای پاک نمودن چیزی است از هرگونه عیب و وقتی در مورد گناهان به کار می رود بمعنای پاک شدن گناهان و تطهیر آن است. در لسان العرب آمده: «تَمْحِصُ الذُّنُوبِ: تَطْهِيرُهَا.» (ابن منظور، ج ۷؛ ص ۹۰)

در حدیثی دیگر امام جواد علیه السلام در ضمن نامه ای به علی بن مهزیار فرمودند: «إِنَّ مَوَالِيَّ أَسْأَلُ اللَّهَ صَلَاحَهُمْ أَوْ بَعْضَهُمْ قَصَّرُوا فِيمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَعَلِمْتُ ذَلِكَ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُطَهِّرَهُمْ وَأُزَكِّيَهُمْ بِمَا فَعَلْتُ فِي عَامِي هَذَا مِنْ أَمْرِ الْخُمْسِ.» (طوسی، ج ۴؛ ص ۱۴۱) (شیعیان من، که از خداوند صلاح آنها را می خواهم، در آنچه بر آنان واجب بود، کوتاهی کردند. پس من این را دانستم. لذا دوست دارم با آنچه امسال در باب خمس انجام می دهم آنها را تطهیر و تزکیه کنم. بعد خود امام جواد علیه السلام در مقام

استدلال به اینکه چگونه خمس مایه تطهیر و تزکیه است، به این آیه استناد می کنند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا». (توبه ۱۰۳) خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می دهد که از اموال مردم صدقه ای (بعنوان خمس) دریافت کن تا بوسیله آن آنها را پاک سازی و تزکیه کنی.

علامه طباطبایی می فرماید: کلمه "تطهیر" به معنای برطرف کردن چرک و کثافت از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شود و آماده نشو و نماء گردد و آثار و برکاتش ظاهر شود، و کلمه "تزکیه" به معنای رشد دادن همان چیز است، بلکه آن را ترقی داده خیرات و برکات را از آن بروز دهد، مانند درخت که با هرس کردن شاخه های زائدش، نموش بهتر و میوه اش درشت تر می شود. پس اینکه در آیه هم تطهیر را آورد و هم تزکیه را، خیال نشود که تکرار کرده، بلکه نکته لطیفی در آن رعایت شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش) ج ۹، ص ۵۱۲

پس پرداخت خمس اولاً باعث پاک شدن پرونده اعمال انسان از گناهان می شود (تمحیص). ثانیاً باعث پاک شدن انسان از رذائل اخلاقی که منشأ صدور گناهان است، می شود (تطهیر). و ثالثاً نفس را رشد داده و متصف به صفات حمیده و فضائل نفسانی می کند (تزکیه).

با پرداخت خمس، مردم از رذائل اخلاقی نظیر دنیا پرستی و بخل پاک می شوند، و نهال ولایت پذیری، نوع دوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آنها پرورش می یابد. از این گذشته، مفسد و آلودگی هایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه، به وجود می آید با انجام این فریضه الهی برچیده شده، و صحنه اجتماع از این آلودگی ها پاک می گردد. و نیز همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه اینگونه برنامه ها تامین می گردد. بنابراین حکم خمس و زکات هم "پاک کننده فرد و اجتماع" است و هم نمودنده بذره های فضیلت در افراد، و هم سبب پیشرفت جامعه، و این رساترین تعبیری است که درباره خمس و زکات می توان گفت: از يك سو آلودگی ها را می شوید و از سوی دیگر تکامل آفرین است. (مکارم شیرازی، ج ۸، ص ۱۱۷).

ثروت در نزد غالب انسان ها از محبوبیت خاصی برخوردار است، به گونه ای که جدا شدن از آن برایشان سخت و طاقت فرساست. یکی از آثار قطعی پرداخت خمس درمان بخل است. بخل عیبی است که عیوب دیگری را به دنبال خواهد آورد: بی اعتنایی به مردم، سنگ دلی، دروغ پنداشتن ادعای فقراء، از دست دادن دوستان خوب، سوء ظن به وعده های خداوند، اعتماد بر اموال خود به جای توکل

بر خدا و ... گوشه ای از آثار بخل است. از این روست که افرادی که به فکر خودسازی و سعادت و رستگاری هستند باید خود را از این عیب دور بدارند. چرا که خداوند متعال فرمود: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹) کسانی که از بخل و حرص، نفس خویش را باز داشته شده‌اند رستگارند!

امام صادق (ع) در پاسخ راوی حدیثی که از چگونگی و زمان پرداخت خمس سؤال می نموده فرموده است: «هِيَ وَاللَّهِ الْإِفَادَةُ يَوْمًا بَيْنَ يَوْمٍ إِلَّا أَنْ أَبِي جَعَلَ شِيعَتَهُ فِي حِلٍّ لِيَرْكُؤُوا.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۴۴) به خدا قسم خمس در منافع روز به روز است [یعنی خمس منافع هر روز را همان روز باید پرداخت کرد] ولی پدرم امام باقر (ع) شیعیان را [از پرداخت روزانه] حلال کرد تا آن‌ها را پاک گرداند.

همانطور که ذکر شد، قرآن مجید نیز مبحث خمس را به روشنی تشریح و علت آن را تطهیر و تزکیه مردم یادآور شده است آنجا که فرموده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه ۱۰۳) از اموال آن‌ها [= مسلمانان] صدقه بگیر تا به واسطه آن پاکشان کنی و رشدشان دهی. در این آیه هم به طور روشن، حکمت تشریح خمس، تطهیر و تزکیه نفوس بیان گردیده است. هر چند صاحب تفسیر مجمع البیان شأن نزول آیه را در مورد زکات و صدقات استحبابی مطرح کرده اند ولی مرحوم صاحب جواهر به استناد روایتی که در سطور بعدی خواهد آمد «صدقه» را به معنای خمس تفسیر کرده اند که به نظر می آید با ملاک های کلی و روایتی که خواهد آمد سازگارتر باشد.

روایتی که مورد استناد صاحب جواهر بوده همان روایتی است که سابقاً در بحث مفهوم شناسی خمس ذکر گردید: «قال ابو عبدالله (ع) من زعم أن الامام [عليه السلام] يحتاج الي ما في أيدي الناس فهو كافر ...» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۳۷) این روایت کاملاً گویای آن است که امام صادق (ع) به استناد آیه فوق، حکمت تشریح خمس را تطهیر اموال مردم معرفی میکند و نه احتیاج امام (ع). در مورد دیگر هم امام صادق (ع) به عبدالله بن بکیر فرموده است: «إِنِّي لَأَخْذُ مِنْ أَحَدِكُمْ الدَّرْهَمَ وَإِنِّي لَمِنْ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَا لَا مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۳۸)؛ هر آینه من درهمی را از یکی از شما می ستانم، در حالیکه خود از ثروتمندترین مردم مدینه ام. از این کار جز این نمی خواهم که شما پاک و پاکیزه شوید.

۷. ذخیره آخرت

ما برای ترسیم اهمیت مسأله آخرت و ضرورت آمادگی برای آن، ابتداء مشروحه ذیل را مطرح می کنیم

و آن گاه نقش پرداخت خمس را بیان می‌داریم:

جناده بن ابی امیه می‌گوید: در آن لحظه‌هایی که امام مجتبی (ع) مسموم شده و در بستر بیماری آرمیده بود، خدمت آن حضرت رسیدم، در حالی که طشتی در پیش روی او قرار داشت که پر از خون آن امام معصوم بود. سلام کردم و گفتم: ای پسر پیامبر! چرا خود را معالجه نمی‌کنید؟ امام مجتبی (ع) در پاسخ من فرمود: ای بنده ی خدا! مرگ را به چه چیزی می‌توان علاج کرد؟ اینجا بود که زیر لب زمزمه کردم: «انا لله و انا الیه راجعون» امام متوجه من شد و فرمود: ای جناده! رسول خدا (ص) به ما خبر داد که امامان معصوم دوازده نفرند که یازده نفر آنان از فرزندان امام علی (ع) و حضرت فاطمه (ع) می‌باشند که همه یا با شمشیر و یا با زهر به شهادت می‌رسند. پس طشت پر از خون را از پیش روی امام مجتبی (ع) برداشتند در حالی که آن حضرت می‌گریست، در چنین حالت بسیار حساسی خطاب به امام مجتبی (ع) گفتم ای پسر رسول خدا مرا نصیحتی فرما. حضرت فرمود: «اسْتَعَدَّ لِسَفْرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ.»؛ خود را برای سفر آخرت آماده کن و توشه ی سفر آخرت را پیش از آن که مرگت فرا رسد، فراهم کن». (خزاز رازی؛ ص ۲۲۷) حال که از اهمیت مسأله آخرت از زبان امام مجتبی (ع)، آن هم در آخرین لحظات زندگی آن حضرت، آگاه شدیم، بنگریم نقش پرداخت خمس در آخرت چیست.

امام رضا (ع) در جمله کوتاهی نقش آخرتی پرداخت خمس را بیان فرموده اند: «إِنَّ إِخْرَاجَهُ ... مَا تَمَّهْدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۴۸)؛ پرداخت خمس چیزی است که برای روز نیاز خودتان (=قیامت) ذخیره می‌کنید.

در این جمله کوتاه، حضرت ثامن الحجج علیهم صلوات الله، پرداخت خمس را ذخیره آخرت معرفی و با انتخاب واژه «فاقتکم» گوشزد نموده اند که نیاز انسان‌ها به آخرت بیشتر از نیازهای مادی و دنیایی آنان است؛ چرا که در آخرت برخلاف دنیا انسان‌ها از همه امکانات به جز اعمال صالحه ی خودشان بی‌بهره خواهند بود. لذا خمس در روزی که انسان به شدت محتاج کمک دیگران است، دست انسان را می‌گیرد. و حکمت آن هم شاید در سیره اهل بیت علیهم السلام مشخص باشد. از سیره اهل بیت علیهم السلام این بود که هرگاه صدقه ای به نیازمند و فقیری می‌دادند، دست آن فقیر و سائل را می‌بوسیدند. امام باقر علیه السلام فرمود: «کان علی بن الحسین ص إذا أعطی السائل قَبْلَ ید السائل - فقيل له: لم

تفعل ذلك قال: لأنها تقع في يد الله قبل يد العبد.» (عیاشی، ج ۲؛ ص ۱۰۸) در حکمت بوسیدن دست سائل لطافتی وجود دارد و آن این است که وقتی شما مال و سرمایه ای در دست فقیر می گذارید، او این مال را می گیرد و از گردنه های صعب العبور و از حجاب های بین عبد و مولا عبور داده و آن را به دست خداوند متعال می رساند. و در واقع این دست خداست که از این آستین بیرون آمده تا بار انسان را بردارد و آنجا که به شدت محتاج آن سرمایه است، به او برگرداند. پس اگر چیزی در دست سائل گذاشتیم، «تقع فی ید الله» آن را در دست خدا گذاشته ایم؛ لذا این دست بوسیدنی است. حال اگر دست فقیر می تواند مال انسان را به دست خدا برساند، حضرات معصومین بطریق اولی می توانند آن را به خدا برسانند. چرا که دست اهل بیت قطعاً همان دست خداست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ - وَ أَنَا بَابُ اللَّهِ.» (کلینی، الکافی ج ۱؛ ص ۱۴۵) امیرالمؤمنین ید الله است و «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ». (فتح، ۱۰) دست اهل بیت بالاتر از همه دست هاست. اگر مال انسان در اختیار ولی خدا قرار گرفت، به دست خدا می رسد و روز قیامت به انسان بر می گردد.

۸. کسب دعای امام

امام رضا علیه السلام می فرماید: «فَلَا تَزُوهُ عَنَّا وَ لَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ.» (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۴۸) پس خمس را از ما دریغ ندارید و تا می توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید. یعنی ما اهل بیت در حق کسانی که خمس می دهند، دعا می کنیم. انسانی که خمس می دهد، رابطه و پیوند قلبی و مالی با امام خودش برقرار می کند، و امام در حق او دعا می کنند و ناگفته پیداست که دعای امام معصوم هیچ گاه رد نمی شود.

خداوند متعال، به پیامبرش دستور می دهد که از اموال مردم صدقه ای (بعنوان زکات یا خمس) بگیر و سپس در حق آنان دعا کن: «وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ» (توبه ۱۰۳) که دعای تو آرامش آنهاست: «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ». در بعضی تفاسیر آمده است که مراد از دعا در اینجا استغفار است: «وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ يَعْنِي وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۱۹۴)

در مقابل، اگر کسی خمس را بر خود حلال شمارد و عمداً آن را نپردازد، نه تنها از دعای خیر امام محروم می شود، بلکه مورد لعن و نفرین امام معصوم قرار می گیرد. امام زمان علیه السلام در توقیعی به

محمد بن عثمان عمري نوشتند: «لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا». (ابن بابویه، (۱۳۹۵ق) ج ۲؛ ص ۵۲۲) لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که حتی یک درهم از مال ما را حلال شمارد. آن حضرت راجع به شخصی که آنچه در دستش از اموال امام است، حلال می شمارد و بدون اذن امام در آن تصرف می کند، در توقیعی دیگر فرمودند: «فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مُلْعُونٌ وَ نَحْنُ خُصَمَاءُ فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ص الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مُلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَ لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ مُجَابٍ» (شیخ حر عاملی، ج ۹؛ ص ۵۴۰) پس هرکس اموال ما را حلال شمرده و بدون امر ما در آن تصرف کند، ملعون است و ما اهل بیت دشمن او هستیم. پس به تحقیق پیامبر اکرم فرمود: آن کسی که از اموال عترت من چیزی را حلال شمارد آنچه را که خداوند حرام کرده، هم بر زبان من و هم بر زبان هر پیامبر مستجاب الدعوه ای ملعون و نفرین شده است. بعد حضرت فرمودند: «فَمَنْ ظَلَمَنَا كَانَ مِنْ جُمَلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَ كَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ "أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ" (هود، ۱۸)» هرکس به ما ظلم کند از جمله ظالمین بر ماست و طبق قول خداوند متعال لعنت خدا بر اوست.

۹. گوارا شدن در آمد

در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است که روزی و مأكولات انسان باید علاوه بر حلال بودن، طیب هم باید باشد. خداوند متعال در سوره بقره فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره، ۱۶۸)، در سوره مائده فرمود: «وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا» (مائده، ۸۸) و در سوره انفال فرمود: «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا» (انفال، ۶۹) نکته ای که باید توجه داشت، نقش وصفی «طیب» برای «حلال» است. یعنی اصل در مأكول حلیت است ولی حلالی که طیب هم باشد. حالا باید دید میان حلال و طیب چه فرقی است.

همانطور که علامه طباطبایی (ره) می فرمایند، کلمه (حلال) در مقابل کلمه (حرام) است، و معنایش با کلمه (ممنوع) یکی است، وقتی می گویند فلان کار حرام است، معنایش این است که ارتکاب آن ممنوع است. (طباطبایی، (۱۳۷۴ش) ج ۱، ص ۶۳۱) اما راجع به کلمه "طیب"، ایشان می فرمایند: «و الطیب - مقابل الخبیث - ما یلائم النفس و الشیء، کالطیب من القول لملاءمته السمع، و الطیب من العطر یلائم الشامة، و الطیب من المكان یلائم حال المتمکن فیه.» (طباطبایی، (۱۳۹۰ق) ج ۱،

ص ۴۱۷) کلمه (طیب) در مقابل کلمه (خبیث) معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می دهد، مثل کلمه طیب، که به معنای آن سخنی است که گوش را از شنیدنش خوش آید و عطر طیب که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و مکان طیب یعنی آن محلی که با حال کسی که میخواید در آن محل جا بگیرد سازگار باشد. در آیات مذکور اگرچه بعضی از مترجمان «طیب» را پاکیزه معنا کرده اند، اما با توجه به تفاسیر به نظر می رسد، معادل صحیح آن در زبان فارسی واژه هایی نظیر «گوارا»، «دلچسب» و «دلپذیر» باشد. پس از بعضی از اموال حلال هستند که طیب و مورد پسند طبع آدمی نیستند.

در احادیث ما آمده است که با پرداخت خمس، باقیمانده مال که همان چهارپنجم آن می باشد، در عین حالیکه حلال است، طیب هم می شود و به اصطلاح به جان آدم می نشیند. امام صادق علیه السلام در نامه ای به شیعیان خود اینگونه نوشتند: «فَادُّوا إِلَى اللَّهِ حَقَّ مَا رَزَقَكُمْ يُطِيبُ اللَّهُ لَكُمْ بَقِيَّتَهُ». (کلینی، ۸؛ ص ۹) پس حق آنچه خدای تعالی روزی شما کرده، به جا آورید تا خدا باقیمانده آن رزق را برای شما، طیب و گوارا سازد. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام درباره غنیمتی که به یکی از شیعیان رسیده، می خوانیم: «يُودِّيْ خُمْسَنَا وَ يُطِيبُ لَهُ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق)، ج ۹؛ ص ۴۸۸) خمس ما را می دهد و باقی در آمدش برای او گوار می شود.

برعکس اگر کسی خمس مالش را نپردازد، چون حق اهل بیت در آن مال هست، تصرف در آن جایز نیست و خوردن هر لقمه از آن مال، در واقع همان خوردن آتش است. خداوند متعال درباره ظلم در حق یتیم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا.» (نساء، ۱۰) کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت) تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. در تفسیر فرات کوفی آمده است که امام صادق علیه السلام ضمن برشمردن اکل مال یتیم، به عنوان یکی از بزرگترین گناهان کبیره، مصداق آن را خوردن حق اهل بیت در مسئله خمس می دانند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ سَبْعٌ: الشَّرْكُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ... وَ أَكْلُ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ... وَ أَمَّا أَكْلُ أَمْوَالِ الْيَتَامَى فَقَدْ ظَلَمُوا فَيْتِنًا [فَيْتِنًا] وَ ذَهَبُوا فِيهِ.» (کوفی، ص ۱۰۳)

در توفیق شریفی که به خط خود حجت بن الحسن ارواحنا فداه به ما رسیده، آمده است: «وَ أَمَّا

الْمُتَكَبِّرُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَ مِنْهَا شَيْئاً فَأَكَلَهُ فَإِنَّهَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ». (ابن بابویه، (۱۳۹۵ق)، ج ۲؛ ص ۴۸۵) و اما کسانی که مال ما را نزد خود نگاه می دارند و آن را با مال خود آمیخته می کنند، اگر چیزی از آن را برای خود حلال بدانند و بخورند، پس قطعاً فقط آتش خورده اند. در وسائل الشیعه نیز آمده است که امام زمان علیه السلام فرمود: «مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا شَيْئاً فَإِنَّهُ يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَاراً وَ سَيَصَلِّي سَعِيراً». (شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹ق)، ج ۹؛ ص ۵۴۱) هرکس ذره ای از مال ما را بخورد پس گویا آتش در شکم خود داخل کرده و البته به زودی به سعیر (که درکه ای از درکات دوزخ است) درآید.

از ظاهر هردو روایت پیداست که ناظر به همان آیه مذکور سوره نساء صادر شده اند. از ابی بصیر نقل شده که از امام باقر علیه السلام سوال کردم: «أَصْلَحَكَ اللَّهُ مَا أَيْسَرُ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ؟ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دَرْهَمًا وَ نَحْنُ الْيَتِيمُ». (ابن بابویه، (۱۴۱۳ق) ج ۲؛ ص ۴۱) خدا کارتان را به سامان دارد و شما را در مقام شایسته اجتماعی تان قرار دهد، کمترین چیزی که بنده به علت ارتکاب آن به دوزخ داخل می شود، چیست؟ فرمود: خوردن درهمی از مال یتیم؛ و مائیم آن یتیم. شیخ صدوق بعد از نقل این خبر در کمال الدین می گوید: معنای یتیم در اینجا «منقطع القرین» است؛ یعنی فردی بی مثل و مانند در شرف و فضیلت. کما اینکه خداوند متعال در آیه «الْم يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى» پیامبر را به همین معنا یتیم نامید، یعنی: آیا تو را فردی بی همتا نیافت پس تو را در پناه خود گرفت و مختص به رسالت خود ساخت. بعد می گوید: «و كذلك كل امام بعده یتیم بهذا المعنى»؛ هر امامی در زمان خودش یگانه دوران است و به این معنا یتیم است. در عربی نیز اگر به مروارید می گویند: «الدرة الیتیمة»، چون منقطعة القرین و بی مانند است. ایشان ادامه می دهد: آیه مذکور، درباره اکل ظالمانه اموال یتیمان، اولاً درباره اهلیت نازل شده و بعداً در سائر ایتم هم حکماً جاری است. (ابن بابویه، (۱۳۹۵ق)، ج ۲؛ ص ۵۲۲)

۱۰. عنایات ویژه اهلبیت

کسانی که مقید به پرداخت خمس هستند، یعنی در درآمد خود سهم خدا، رسول، اهلبیت را در نظر دارند، قهراً خدا و اولیای او نیز به ایشان عنایات ویژه دارند. چرا که در قرآن آمده است: (وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها) (نساء، ۸۶) هر گاه به شما تحیت و درود گویند، پاسخ آن را بهتر از

آن بدهید؛ یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گوید. قطعاً کسی که اهل پرداخت خمس است مشمول این آیه است؛ زیرا او اهلیت پیامبر را گرامی داشته و حق آنها را حفظ کرده است. پس به حکم آیه قرآن اهلیت نیز در قبال این تحیت به او لطف و احسان فراوان می کنند.

یک نمونه از عنایات ویژه اهلیت به دهنده خمس، داستان زنی مؤمنه بنام شطیبه است که در نیشابور زندگی می کرده است. هنگامی که شیعیان نیشابور خواستند خمس اموال خود را بسوی امام کاظم علیه السلام در مدینه بفرستند، شطیبه نیز یک درهم پول و یک کلاف نخ را که معادل چهار درهم بود، بعنوان خمس، برای امام علیه السلام فرستاد و از کمی مال خود عذرخواهی کرد. هنگامی که شطیبه با استهزاء دیگران مواجه شد، گفت: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ». خداوند متعال از کم حیا نمی کند. زمانی که آن مال به امام کاظم علیه السلام رسید، ایشان نه تنها مال اندک او را پذیرفتند، بلکه فرمودند: «أَبْلَغَ شَطِيطَةَ سَلَامِي وَأَعْطَاهَا هَذِهِ الصَّرَّةَ، وَكَانَتْ تَسَاوِي أَرْبَعِينَ دَرَاهِمًا». سلام مرا به شطیبه برسانید و این همیان و کیسه پول را به او بدهید که در آن چهل درهم پول بود. سپس فرمودند: «وَأَهْدِيْتُ لَهَا شَقَّةَ مَنْ أَكْفَانِي مِنْ قَطْنٍ قَرِيْتَنَا صَيْدَا قَرْيَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَغَزَلَ أُخْتِي حَلِيمَةَ». این تکه پارچه را هم به او هدیه کردم که قطعه ای از کفن خودم است و نخ آن برای جده ام زهرا سلام الله علیهاست و خواهرم حلیمه آن را بافته است. شطیبه چند روز آخر عمرش را از مال امام ارتزاق کرد و هنگامی که از دنیا رفت امام بر جنازه او در نیشابور حاضر شد و در کفن امام کاظم علیه السلام کفن شد. (قمی، عباس، ج ۴؛ ص ۴۲۹)

۱۱. تقویت ایمان

به گواهی قرآن کریم، ایمان امری ذو مراتب است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ». (نساء، ۱۳۶) گاهی ایمان در سطح اقرار زبانی است و گاهی در سطح باور و تصدیق. امام صادق علیه السلام درباره همین آیه فرمود: «فَقَدْ سَمَّاهُمْ اللَّهُ مُؤْمِنِينَ بِإِقْرَارِهِمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ صَدِّقُوا». (قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱؛ ص ۳۱) خداوند متعال به سبب اقرار آنها به توحید، ابتدا آنها را مؤمنین نامید و سپس فرمود: ایمان بیاورید یعنی تصدیق کنید. همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «وَالْإِيمَانُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ - فَمَنْهَ إِقْرَارُ بِاللِّسَانِ

قد سماه الله إيماناً - و منه تصديق بالقلب و منه الأداء و منه التأيد.» (قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱؛ ص ۳۰) ایمان در قرآن بر چهار نوع و مرتبه است: پس یکی از وجوه ایمان اقرار به زبان است که خدا آن را (در آیه مذکور) ایمان نامیده است. و یکی از وجوه آن باور و تصدیق کردن به دل است. دیگری اداء و دیگری تأیید است. بعد حضرت می فرماید: «فالإيمان الحق هو التصديق و للتصديق شروط لا يتم التصديق إلا بها.» (قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱؛ ص ۳۱) پس ایمان حقیقی همان تصدیق و باور قلبی است؛ و برای تصدیق شروط و مقوماتی است که تصدیق محقق نمی شود مگر بوسیله آنها. آنگاه حضرت در مقام بیان آن شروط این آیه را قرائت کردند: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.» (البقرة: ۱۷۷) بعد حضرت فرمودند: «فَمَنْ أَقَامَ بِهَذِهِ الشَّرُوطِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُصَدِّقٌ.» (قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱؛ ص ۳۱) هرکس این شروط را اقامه کند پس او مؤمن مصدق است.

چنانکه از آیه قرآن و بیان امام صادق علیه السلام پیداست، پرداخت مال به ذوی القربی یکی از شروط ایمان است، که ایمان حقیقی و کامل بدون آن محقق نمی شود. از امامین صادقین علیهما السلام نقل شده که ذوی القربی در این آیه اهل بیت علیهم السلام هستند. فرمودند: «ذَوِي الْقُرْبَى: قَرَابَةُ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)» (بحرانی، ج ۱، ص ۳۷۵) از آنطرف قطعاً یکی از مصادیق پرداخت مال به ذوی القربی، پرداخت خمس است که حق واجب آنهاست؛ پس پرداخت خمس از مقومات ایمان است و آیات و روایات شاهد بر این مدعاست.

در آغاز آیه خمس خداوند متعال می فرماید: بدانید هر گونه غنیمتی که به دست آوردید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی (امامان اهل بیت) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر) است. «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (الأَنْفَال: ۴۱) بعد برای تأکید اضافه می کند: اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید {به این دستور عمل کنید و در برابر آن تسلیم باشید}؛ و خداوند بر هر چیزی

تواناست. (إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). نکته مهمی که در این مقام باید به آن اشاره شود این است که با اینکه روی سخن در این آیه با مؤمنان است، (زیرا آیه ابتداءً پیرامون غنائم جهاد اسلامی بحث می کند و معلوم است مجاهد اسلامی مؤمن است) با این حال می گوید: اگر به خدا و پیامبر ایمان دارید، خمس غنائم را بپردازید. یعنی نه تنها ادعای ایمان، نشانه ایمان حقیقی نیست، بلکه شرکت در میدان جهاد نیز نمی تواند نشانه ایمان کامل و حقیقی باشد و ممکن است شرکت در جهاد با اهداف دیگری غیر از رضای خدا انجام پذیرد. مؤمن کامل کسی است که در برابر همه دستورات خصوصاً دستورات مالی و بطور اخص در این آیه در مسئله خمس، تسلیم امر پروردگار باشد و تبعیضی میان برنامه های الهی قائل نگردد. (مکارم شیرازی، ج ۷، ص ۱۷۲) در آخرین جمله از حدیث امام رضا علیه السلام راجع به خمس که قبلاً نیز بارها به آن اشاره کرده ایم، می خوانیم: «وَالْمُسْلِمُ مَنْ يَفِي لِلَّهِ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ الْمُسْلِمُ مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ وَ خَالَفَ بِالْقَلْبِ». (کلینی، ج ۱؛ ص ۵۴۸) آن کسی واقعاً تسلیم اوامر الهی است و به حقیقت اسلام رسیده، که به پیمان الهی وفادار باشد. کسی که با زبان جواب مثبت ولی در دل جواب منفی می دهد، در حقیقت مسلمان نیست {چون تسلیم نیست}.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «وَاللَّهِ لَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَرْزَاقَهُمْ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ جَعَلُوا لِرَبِّهِمْ وَاحِدًا وَ أَكَلُوا أَرْبَعَةً أَحِلَاءَ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُمْتَحَنٌ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ». (شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹ق)، ج ۹؛ ص ۴۸۵) به خدا قسم! خدا برای مؤمنان آسان کرده است که خمس روزیشان را برای پروردگارشان قرار دهند و بقیه را بطور حلال خودشان استفاده کنند. سپس فرمود: این امر از سخنان صعب و مستصعب ماست که عمل به آن و صبر بر آن نمی کند مگر کسی که قلب او برای ایمان امتحان شده باشد. یعنی قبول کردن چنین مقام و جایگاه و کمالی برای معصومین نزد همگان قابل فهم و تحمل نیست و فقط افرادی که از لحاظ ایمان دارای قلبی ممتحن باشند، حکم خمس را پذیرفته و آن را پرداخت می کنند.

از ادله دیگری که می توان برای اثبات تقویت ایمان بواسطه خمس یاد کرد این است که خداوند متعال در سوره توبه به پیامبر اکرم دستور می دهد که پس از اخذ خمس یا زکات در حق دهنده آن دعا کن: «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه، ۱۰۳) چرا که دعای تو مایه سکونت و آرامش قلوب آنان

است. اگرچه آرامش نعمتی است که به برکت دعای پیامبر از سوی خداوند نازل می شود، اما اگر آرامش و سکینه الهی نازل شد، تقویت و ازدیاد ایمان هم صورت می گیرد؛ خداوند متعال فرمود: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح، ۴) او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند. "سکینه" در اصل از ماده سکون، به معنی آرامش و اطمینان خاطری است که هر گونه شك و تردید و وحشت را از انسان زائل می کند و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می دارد. این آرامش ممکن است جنبه عقیدتی داشته باشد، و تزلزل اعتقاد را بر طرف سازد، یا جنبه عملی، به گونه ای که ثبات قدم و مقاومت و شکیبایی به انسان بخشد. (مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۲۷)

در مقابل امام صادق علیه السلام، عده ای که از حق اهل بیت علیهم السلام کم می گذارند و خمس نمی دهند، غیر معتقد و بی ایمان به معاد و قیامت می داند. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (مطففین، ۱) فرمود: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ يَعْنِي النَّاقِصِينَ لِخُمْسِكَ يَا مُحَمَّدُ - الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ أَيَّ إِذَا صَارُوا إِلَى حُقُوقِهِمْ مِنَ الْغَنَائِمِ يَسْتَوْفُونَ - وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَيَّ إِذَا سَأَلُوهُمْ خُمْسَ آلِ مُحَمَّدٍ عَقَبُوا عَنْهُمْ.» (نوری، ج ۷؛ ص ۲۷۸) منظور از «وای بر کم فروشان»، یعنی کسانی که خمس تو را ناقص و کم می دهند یا محمد. «آنان که وقتی برای خود پیمانانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند»؛ یعنی وقتی حقوق خود را از غنائم می خواهند، آن را کامل می ستانند. «اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانانه یا وزن کنند، کم می گذارند»؛ یعنی وقتی خمس آل محمد را از آنها بخواهند، کم می دهند. عدم ایمان ناقصین خمس به معاد و قیامت را، از آیه بعدی همین سوره می توان فهمید؛ آنجا که می فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (مطففین، ۴) آیا آنها گمان نمی کنند که حتما برانگیخته می شوند؟! یعنی کسی که اعتقاد دارد برای حساب و کتاب روز قیامت برانگیخته خواهد شد، اینچنین کم فروشی نمی کند و از حق اهل بیت علیهم السلام کم نمی گذارد. پس ناقصین خمس ایمان راستین به قیامت ندارند.

نتیجه

در این تحقیق به دنبال تبیین آثار فردی خمس از منظر کتاب و سنت بودیم. مطابق معارف قرآن و عترت، پرداخت خمس آثار مثبت فراوانی بر زندگی فردی انسان دارد. حفاظت و صیانت از پاک بودن اولاد در تعالیم اسلامی مورد تأکید است و پرداخت خمس یکی از راه های طیب ولادت و پاک شدن فرزندان است. پرداخت خمس سبب دعای اهل بیت در حق پرداخت کننده شده و دعای اهل بیت آرامش فرد را در پی دارد. پرداخت خمس امری است که باعث برکت در رزق مادی و معنوی انسان در دنیا و بهشتی شدن تضمینی او در آخرت می شود.

البته قطعا آثار مذکور در این تحقیق، جامع و کامل نیست. بی شک آثار و برکات پرداخت خمس در امور فردی مذکور خلاصه نشده و در حوزه هایی نظیر امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ثمرات گوناگون دیگری نیز دارد که تبیین آنها مجال دیگری می طلبد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالي (للسدوق)** - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
- _____ ، **کمال الدین و تمام النعمة** - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.
- _____ ، **من لا يحضره الفقيه** - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ ، **علل الشرائع** - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، **المحکم و المحيط الأعظم**، ۱۱ جلد، دار الکتب العلمیة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۱ ه. ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ۱۵ جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، ۱۵ جلد، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۱ ه. ق.
- انصاریان، حسین، **ترجمه قرآن (انصاریان)**، ۱ جلد، اسوه - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۳ ه. ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن** - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.
- خزازی، علی بن محمد، **کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر** - قم، ۱۴۰۱ ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئی**، قم - ایران، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ه. ق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغة (للصّحیح صالح)** - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم - ایران، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ه. ق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة** - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- _____ ، **هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام** - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه. ق.
- _____ ، **ترجمه تفسیر المیزان**، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات

- اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه. ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
- قمی، عباس، سفینة البحار - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية) - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق
- _____، تحفة الأولیاء (ترجمه أصول کافی) - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی - تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربي - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۳ ه. ق..
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق